پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۰ پاییز ۱۳۹۹

No.40 Fall 2020

۱۱۴-۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

واکاوی جایگاه تعاملات اجتماعی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی (مطالعه موردی: شهر کاشمر)

مهدی مغنی‌زاده ترشیزی*: کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران

امین عبدمجیری: استادیار، گروه معماری، دانشگاه قم، ایران (abdemojiri@gmail.com)

سید مهدی مداحی: استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران (sm.madahi@gmail.com)

چکیده

ارتباطات اجتماعی یکی از مهم‌ترین نیازها و ابعاد جامعه انسانی است که به باور بسیاری بی‌ارتباط با شرایط محیط کالبدی نیست. در این خصوص خانه نیز به سبب جایگاه والایی که در شکل‌دهی محیط زندگی دارد، اهمیتی بیشتر می‌یابد. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا وجوهی از معماری خانه را به دست آورد که در تعاملات اجتماعی نقش محوری دارند. اینکه معماری خانه‌های سنتی چگونه سبب بهبود تعاملات اجتماعی ساکنین می‌شده است پرسشی اصلی این پژوهش را شامل می‌شود. از آنجا که در عموم تحلیل‌ها برای خانه‌های سنتی کیفیت بالاتری قائل شده‌اند، پژوهش حاضر جهت بررسی این موضوع پایه‌های خود را بر مبنای مطالعه مورد خانه‌های سنتی کاشمر قرار داده است. در این بررسی بامطالعه رفتار مختلف و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته، سعی شده است، روابط موجود در ساختار فضایی خانه‌ها با موضوع تعاملات اجتماعی تحلیل گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد رفتاری از قبیل تهیه نذری، برگزاری مراسم، شب‌نشینی، بازی با فرزندان، استقبال از مهمان، سفره انداختن و استراحت کردن در شب به‌صورت جمعی به‌عنوان عمده فعالیت اجتماعی داخل این خانه‌ها است. با تحلیل این رفتار در بستر فضایی آن‌ها، هشت مؤلفه در معماری خانه‌ها شناسایی شد که شاخص‌های مهمی در تعیین سطح تعاملات اجتماعی این خانه‌ها محسوب می‌شوند که عبارت‌اند از ارتباط با فضای باز، دسترسی‌ها، فاصله کارکردی، مبلمان فضا، محوریت حرکتی، تعدد و تنوع فضایی، شفافیت و تداوم فضایی، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، تعاملات اجتماعی، خانه‌های سنتی، کاشمر

Abstract

Social interactions are one of the significant needs and aspects of human society that is related to the conditions of the physical environment. In this regard, thouse's importance is doubled due to its excellent position in forming the living environment. Therefore, the current research attempts to obtain the architectural attributes of a home which, social interactions have a crucial role. How the architecture of the traditional houses leads to the improvement in the social interactions of the residents is a question on which, the current research has been formed. Since the traditional houses have a high quality in many general analyses, the recent research is based on studying the conventional dwellings of Kashmar city. By studying the various behaviors and analyzing the content of the conducted interviews and observations, it has been tried to analyze the relations in the spatial structure of the houses considering the social interactions. The research findings show that making votive food, holding ceremonies, soiree, playing with children, welcoming guests, setting tables, and collective sleeping are the main social activities inside these houses. By analyzing this behavior in their spatial context, eight components are identified in the architecture of these houses that are significant indicators in determining the level of social interactions in these houses and are as follows: relation with the open space, accesses, functional distance, space furniture, movement centrality, spatial diversity and frequency, transparency and spatial continuity, flexibility, and adaptability.

Keywords: spatial structure, social interactions, traditional houses, Kashmar

*نویسنده مسئول مکاتبات: (mehdi.moghani@yahoo.com)

مقدمه

تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، نگاه، مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و درنتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۴). این تعامل به معنای ارتباطی است از هر نوع بین دو یا چند واقعیت. ارتباطی که می‌تواند به‌صورت استقلال‌یافته، به هم‌پیوستگی و غیره باشد. هر رفتار اجتماعی، رفتاری است که مستلزم ارتباط بین دو یا چند نفر است، یعنی با وجود حداقل دو نفر انجام می‌پذیرد. این نوع رفتارها نه‌تنها با فعالیت دو یا چند نفر انجام می‌شوند، بلکه در آن‌ها افراد تحت تأثیر یکدیگر نیز قرار می‌گیرند (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۲۳۴). تعامل اجتماعی مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و درنتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا است (دانشپور و چرخچیان، ۴:۱۳۸۶). بنابراین روابط فاقد معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرد. از همین رو فضاهایی که با هدف افزایش تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند، جذابیت خاصی با خود به همراه دارند؛ همانند آنچه در فضاهای اجتماع‌پذیر رخ می‌دهد. فضای اجتماع‌پذیر فضایی سرزنده است که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی می‌یابند (شجاعی و پرتوی، ۴:۱۳۹۴).

توجه به قلمروها به‌عنوان یکی از مشخصه‌های معماری است که نوع پرداختن به آن تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی دارد. قلمرو به یک موقعیت جغرافیایی اطلاق می‌شود که فرد یا گروه را از گزند تجاوز دیگران به حریم خویش محفوظ می‌دارد و مشخص بودن حد و مرز آن جزء خصلت ذاتی انسان است. معمولاً تشخیص قلمرو به دو شکل خصوصی و عمومی است. شکل خصوصی آن حد و مرز یا قلمرو یک یا چند انسان است که به‌گونه‌ای در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و شکل عمومی تعلق فضا را به همگان و عموم مردم که در یک جامعه در کنار یکدیگر می‌رساند (بمانیان، ۷۸:۱۳۹۰). مفاهیم فضای شخصی و قلمرو، سازوکارهایی برای دستیابی به میزان دلخواهی از خلوت و ازدحام است که عدم کارایی آن به روابط اجتماعی نامطلوب منجر می‌شود (آلتمن، ۲۸۹:۱۳۸۲). خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی و خلوت کم، به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود. ازدحام به دلیل محدود ساختن استقلال و بیان فردی موجب فشار عصبی می‌شود و زمینه‌ی برقراری ارتباط دلخواه را مشکل می‌کند. ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است و تحت تأثیر ادراک فرد از میزان کنترلی است که دیگران بر مزاحمت‌های خود دارند (لنگ، 1386: ۱٦۷). به‌عبارت‌دیگر عدم توجه مناسب به مقوله قلمرو و ابعاد آن در تنظیم فضاهای معماری تأثیر مستقیمی بر آسیب تعاملات اجتماعی ساکنین دارد.

خانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موضوع‌های سکونتی بشر نقش شایان توجهی در تعاملات اجتماعی دارد. سیاست ساخت مسکن حداقل و انبوه، عدم توجه به نیازهای انسانی و در نظر نگرفتن پیامدهای روانشناختی آن، زندگی فردی و اجتماعی افراد را با مشکلاتی مواجه ساخته است. ازجمله نیازهای فراموش‌شده انسان‌ها، تعاملات انسانی است. فراموش‌شدن این نیاز سبب محدود شدن روابط همسایگی، افزایش میل به داشتن خانه شخصی، جدایی‌گزینی از خانواده و خانه پدری، تخصیص یافتن فضای خصوصی به هر یک از افراد خانواده، عدم تمایل افراد خانواده به دیدن و دیده شدن توسط دیگر اعضاء، سبب اهمیت یافتن حریم خصوصی شده است. این در حالی است که به باور برخی از اندیشمندان، معماری در گذشته پاسخ‌های مناسب‌تری به دست آورده بود. خانه‌های ایرانی نیز در مفهوم سنتی آن، با اتکا به وسعت و تفکیک اندرونی و بیرونی و ترکیبی از فضاهای مختلف، ظرفیت انجام فعالیت‌های متنوعی داشتند و به‌طورکلی افراد خانواده می‌توانستند بیشتر نیازهای فضایی خود را در داخل همین خانه‌ها تأمین نمایند (کشفی، ۱۳۹۱: ۹)، اما در عصر حاضر با افزایش فردگرایی، توجه به محیط کالبدی به‌عنوآنجایگاه انسان‌های همجوار، در جهت نزدیک‌تر کردن آنان به یکدیگر و جبران بخشی از تعاملات انسانی از دست رفته است (باقری و همکاران، ۳:۱۳۹۴).

عدم توجه به نیازهای انسانی، شیوه زندگی افراد را دچار دگرگونی کرده است تا آنجا که بسیاری از کارکردهای خانه مانند محلی برای غذا خوردن، تفریح، ملاقات، برگزاری جشن و کار، به فضای شهری منتقل‌شده و بسیاری از روابط

اجتماعی کم‌رنگ و یا حذف شده‌اند. بنابراین با درک درست از سازمان فضایی یک خانهٔ سنتی می‌توان به علت اصلی این روابط دست‌یافت. روابطی که افراد بر اساس منافع خود آن را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین، به آن می‌پردازند. از همین رو هدف اصلی این پژوهش درک رابطه میان ساختار فضایی خانه و تعاملات انسانی درون آن است تا بر مبنای آن بتوان به شاخصه‌هایی دست‌یافت تا تعاملات انسانی درون خانه را افزایش داد. هدفی که با خود سؤالاتی چون نسبت ساختار فضایی خانه باکیفیت تعاملات انسانی درون خانه و تعیین شاخصه‌های اثرگذار بر افزایش تعاملات انسانی داخل خانه دارد. برای دستیابی به پاسخ مناسب بافت سنتی کاشمر در استان خراسان رضوی به‌عنوان پایه مطالعات میدانی انتخاب شد که آثار گذشته آن همچنان در دسترس هستند.

پیشینه پژوهش

یزدانفر و ضرابی الحسینی در مقاله خود تحت عنوان *تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه*، به تأثیر شیوه زندگی و فرهنگ کاربران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای درک رفتار ساکنین بر الگوی مسکن پرداخته‌اند. در این پژوهش الگوی مسکن در ارومیه با توجه به شیوه زندگی در گذر زمان از دوره سنتی تا معاصر پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیر تحول شیوه زندگی و الگوی خانه از دوره سنتی تا معاصر با گذشت زمان با تغییر شیوه زندگی بخشی از کارکردهای اجتماعی خانه که عمدتاً در فضای باز (حیاط) انجام می‌شده است، به فضای بسته خانه و بخش عمده آن به خارج خانه انتقال‌یافته و اهمیت فضای باز به‌عنوان رکن خانه‌های سنتی به‌شدت تقلیل یافته است. انعطاف‌پذیری فضاها از میان برداشته‌شده و کارکرد اجتماعی خانه جای خود را به کارکرد شخصی داده است. این امر سبب گرایش به اتاق‌های شخصی و تبدیل اتاق‌های چند عملکردی به تک عملکردی شده است. تعدد فعالیت‌ها در خانه‌های گذشته موجب شکل‌گیری تعدد و تنوع فضایی و نیز تشخص بخشی به مکان شده است. با محدود شدن فعالیت‌ها در خانه‌های امروزی و به سبب آن کاهش تعداد و ابعاد فضایی، تداخل عملکردی در سازمان فضایی خانه به وجود آمده است. درنهایت ویژگی خانه‌های بومی ارومیه به‌کلی از بین رفته و جای آن را خانه‌های بی‌هویت امروزی گرفته است. تجهیزات اتاق‌ها با امکاناتی مستقل از امکانات اشتراکی خانواده، نیاز افراد به حضور در فضای جمعی را به‌شدت کاسته است. این امر سبب فردگرایی اعضای خانواده گردیده است، به‌نحوی‌که هر شخص در فضایی به نام اتاق، به کاری مشغول است. در طراحی خانه‌های امروزی، اتاق‌ها میان فضاهای خانه حد و مرز ایجاد نموده است و فضاهای جمعی به حاشیه رانده شده‌اند.

باقری و همکاراندر مقاله با عنوان *شناسایی متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن*، بیان داشته‌اند در عصر حاضر اگرچه فردگرایی افزایش پیدا کرده است، اما وجود فضاهایی برای جمع شدن خانواده می‌تواند عاملی برای توسعه دوستی‌ها و حفظ انسجام در مسکن باشد. عوامل مؤثر بر افزایش تعاملات انسانی در مسکن را می‌توان زیرمجموعه پنج حوزه کالبدی-محیطی، رفتاری، معنایی، زمینه‌ای و شخصیتی دانست. حوزه کالبدی-محیطی به‌عنوان بیشترین میزان اهمیت، فاصله تا عملکرد موردنظر در داخل خانه، مهم‌ترین عامل برای حضور افراد در کنار یکدیگر بوده و انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری و سپس جغرافیای فضا، مراتب بعدی در حوزه کالبدی-محیطی را دارند. حوزه شخصیتی در رتبه دوم میزان اهمیت، سهولت دسترسی می‌تواند به حضور بیشتر افراد به‌خصوص در فضاهایی با فاصله نزدیک عملکردی کمک نماید. همچنان که مشخصات افراد چون جنس، سن، وضعیت شغلی و تحصیلات بر بروز رفتارهای اجتماعی تأثیرگذار است. رتبه سوم مربوط به حوزه زمینه‌ای و بعد از آن حوزه معنایی و درنهایت حوزه رفتاری که کمترین میزان اهمیت را داشته است و تنها شیوه زندگی افراد را عامل مؤثر دانسته‌اند.

در پژوهش دیگری که توسط محمودی با عنوان *بررسی جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات اجتماعی محلات مسکونی (مطالعه موردی: محله خراطان دزفول)* انجام شده است، عواملی همچون حس اعتماد، ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک، دسترسی و خوانایی، ارتباط با گذشته، جذابیت و تسهیلات فضایی، آسایش اقلیمی، مقیاس انسانی، به همراه هویت و حس تعلق و همچنین امنیت بررسی شده که دارای ضریب همبستگی بیشتری با تعاملات اجتماعی

ساکنین بوده است که در وهله اول اعتماد و همچنین فعالیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی از مهم‌ترین شاخه‌ها محسوب می‌شوند. بعد از این دو مؤلفه، سایر پارامترهای عنوان‌شده در بالا به‌عنوان شاخص‌ترین مؤلفه‌ها مطرح‌شده‌اند. درنهایت این ۱۰ مؤلفه را در چهار دسته کلی نظام‌های اجتماعی، هویتی، آسایشی و همچنین ساختاری-کالبدی دسته‌بندی نموده است که این چهار بعد متأثر از همدیگر نیز است. جنبه‌های اجتماعی و کالبدی یکی دیگر از عناصر اصلی تأثیرگذاری بر روابط اجتماعی بین افراد می‌باشد که تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارند و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی که در آن رشد کرده، نوع و سطح خاصی از روابط را با دیگران و محیط انتخاب می‌کند.

میدانچی و همکاران در پژوهشی که که با عنوان *اجتماعی خانه: شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقا تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط درون خانوادگی در خانه‌های معاصر* انجام داده است، عوامل را به نوع روابط اجتماعی (درون خانوادگی/ برون خانوادگی)، کیفیت روابط اجتماعی (آشنا/ غریبه)، نحوه تعامل اجتماعی (گروهی/ فردی) اشاره کرده و برای جنبه‌های کالبدی مواردی هم چون: مرکزیت، فضای طبیعی، درون‌گرایی/ برون‌گرایی را اشاره نموده است. درنهایت مؤلفه‌های مؤثر بر تعاملات اجتماعی در خانه به فضای متمرکز، فضای زنده، فضای رسمی/ صمیمی، فضای درون‌گرا/ برون‌گرا و نفوذپذیری کالبدی تقسیم‌شده‌اند. این مؤلفه‌ها باعث توالی معنای اجتماعی در خانه شده و سطح تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهد.

شو-چون لوسی هوانگ[1] در تحقیقی که بر روی سه پروژه بزرگ مسکونی در تایوان و تایپه انجام داد، مشاهده نمود رابطه بین حیاط‌های مجتمع‌های مسکونی و تعاملات اجتماعی ساکنین آن وابسته به ۱۰ مؤلفه می‌باشد که از میان این مؤلفه‌ها، مسیرها و گره‌ها دارای رتبه اول و دوم، گیاه، فضای بازی، چشم‌انداز، فضای سبز خوش‌منظره، فضای نشستن دارای رتبه‌های بعدی می‌باشند. از این بین، فضای سبز خوش‌منظره به‌عنوان بیشترین عنصر اثرگذار و فضای نشستن دومین عنصر در برقراری روابط اجتماعی می‌باشد.

محمدرضا حائری در کتاب *فرهنگ، خانه و طبیعت*، در سازمان فضایی خانه‌های سنتی، شیوه زندگی را بر اساس طیف گسترده‌ای از تمامی فعالیت‌های آدمی از فکر کردن و تماشای گل و گیاه تا برگزاری مراسم پرجمعیت در حدفاصل دو قطب حریم عمومی و حریم خصوصی، موردبررسی قرار داده است. قلمرو عمومی، شامل فضاهایی مانند شاه‌نشین، پنج‌دری و تالار، با امکان برگزاری فعالیت‌هایی مانند میهمانی، عزاداری و برگزاری جشن‌های مختلف بوده است. وجود چنین فضاهایی با قابلیت حضور هر چه بیشتری افراد سبب افزایش روابط اجتماعی می‌شده است. قلمرو عمومی حدفاصل فضاهایی مانند حیاط، اتاق دستی و حوضخانه می‌باشد. در آن‌ها فعالیت‌هایی مانند جمع شدن خانواده با هم و با تعداد اندکی از دوستان و بستگان نزدیک و همچنین کارهای خانه و شخصی، انجام می‌گرفته است. قلمرو خصوصی، شامل فضاهایی مانند پس اتاق، دودری و پس سرداب می‌باشد. با فعالیت‌هایی مانند خلوت، استراحت، خواب، مطالعه و حضور یک یا دو نفر در فضا. نویسنده دستیابی به قلمروهای عمومی را، ضرورت بسط یافتن و تجمیع جزء فضاها و تحقق قلمروهای خصوصی و کاملاً خصوصی را، استقلال جزء فضاها می‌داند و از سویی دیگر امکان تحقق انواع فعالیت‌ها را در انعطاف‌پذیری جزء فضاها برمی‌شمرد.

حسینی و جعفرزاده در مقاله‌ای با عنوان *تدوین دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به‌منظور بهبود تعامل اعضای خانواده*، ارتباط و تعامل مناسب بین اعضای خانواده را نیازمند توجه به نیاز افراد و همچنین طراحی مناسب سازمان فضایی مسکن می‌دانند. طراحی باید به‌گونه‌ای باشد تا علاوه بر نیازهای جمعی به نیازهای فردی افراد نیز پاسخ داده شود. از این‌رو تأثیر قلمروهای فضایی بر بهبود روابط اجتماعی بین افراد خانه همواره موردبحث و بررسی بوده است. بررسی‌ها نشان می‌داد که عوامل تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی شامل: قلمروهای فردی،

1. Shu-Chun Lucy Huang

قلمروهای جمعی، فضاهای ارتباطی و مفاصل و همچنین موقعیت قلمروها نسبت به یکدیگر و نسبت به ساختار کلی مسکن می‌باشد. رعایت هرکدام از این موارد متناسب با فرهنگ و نیاز ساکنین سبب بهبود تعامل اعضای خانواده می‌شده است.

جان آرچا[1] در پژوهشی که تحت عنوان *جایگاه عوامل معماری در نظریه‌های رفتاری حریم خصوصی*[2]، به این نتیجه رسید که طراحی سازمان فضایی مناسب در کنار چیدمان فضایی، نحوه قرارگیری اجسام در فضا و موقعیت آن‌ها می‌تواند عاملی اثربخش در ارتباطات اجتماعی و خلوت مناسب با توجه به فعالیت‌ها در فضا باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، بر اساس یک تحلیل توصیفی صورت گرفته است و جهت به دست آوردن پایه‌های تحقیق سعی شد با مرور و تحلیل محتوای متون مرتبط، مؤلفه‌های مناسب جهت تحلیل تعاملات اجتماعی در خانه تبیین شود. پس از این مرحله برای انتخاب مناسب نمونه‌های مصداقی، فهرستی از خانه‌های موجود در شهر کاشمر (تعداد ۴۱ خانه) تهیه شد. لازم به ذکر است از لیست مذکور تعدادی از خانه‌ها به علت تخریب و دستخوش تغییرات قرار گرفته و از لیست حذف و به ۲۸ خانه تقلیل پیدا کرد. با توجه به لزوم ارتباط و تعامل با ساکنین، ۱۸ خانه حاضر به همکاری شدند. پس از حذف نمونه‌های مشابه به ۱۱ مورد اکتفا شد که تمامی خانه‌ها، مربوط به دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی می‌باشد. در بررسی نمونه‌های موردی، از تکنیک‌های مختلف مصاحبه، مشاهده عینی و رفتاری، سنجش طرز برخورد، مرور نوشتارها، اسناد، تحلیل نقشه‌های مربوط و سایر تکنیک‌های تجربی استفاده شده است. منظور از مشاهده، مشاهداتی است که در ابعاد کالبدی، ساختاری و عملکردی و ابعاد نیازهای انسانی همانند الگوهای رفتاری و شیوه برخورد و تفکر (از طریق ساکنین قبلی) انجام پذیرفته است. به‌عبارت‌دیگر، فعالیت‌ها، نحوه انجام فعالیت‌ها، نحوه تأثیر فضاها و غیره موضوع اصلی مشاهدات بود. از ابزار مصاحبه برای بررسی دیدگاه کارشناسان، ساکنین قبلی استفاده شد. مصاحبه‌ها به‌صورت باز و گاه نیمه ساختار یافته، فردی و گروهی بوده‌اند تا بتوان ذهن پاسخ‌دهنده را به‌طور عمیق کاوش کرد و محتوای آشکار و پنهان داده‌های به‌دست‌آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها را به دست آورد. سعی شده در مصاحبه با ساکنین قبلی خانه‌ها از رابطه صمیمی بهره برد تا بدین گونه اطلاعات بیشتر و لایه‌های پنهان هرکدام از فعالیت‌ها به دست آید. سؤالات به‌صورت عامیانه و بیشتر برای پرداختن به ذهن ساکنین قبلی بوده است به‌گونه‌ای که به‌صورت داستان‌وار و یا خاطره آن نوع فعالیت را بازگو کنند. تحلیل نظام رفتاری مرحله بعدی است که طی آن فعالیت‌ها، نحوه انجام آن فعالیت، فضاهای کالبدی درگیر در انجام آن فعالیت، نحوه برقراری تعامل در هرکدام از فعالیت‌ها و تأثیر متقابل فضا بر فعالیت و فعالیت بر فضا موردبررسی قرار می‌گیرد. نتایج این مرحله منتج به شاخصه‌های کالبدی اثرگذار بر تعاملات انسانی داخل خانه‌ها می‌شود که بر اساس نوع فعالیت‌ها شرح داده می‌شوند.

مبانی نظری

تعامل مفهومی اصلی در جامعه‌شناسی است. وقتی شخص، واکنش دیگری را برمی‌انگیزد، تعامل شکل می‌گیرد. این فعالیت می‌تواند در زمینه حرکت یا تماس کالبدی، ابراز عواطف یا ارتباطات کلامی رخ دهد. از این‌رو هر رابطه متقابل بین دو یا چند شخص، تعامل خوانده می‌شود (محمدی اصل، ۲۱:۱۳۹۱). برقراری ارتباط یک موضوع فیزیکی، نگاه، مکالمه و ارتباط بین افراد است که مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و درنتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد (دانشپور و چرخچیان،۱۳۸۶: ۴). مؤلفه‌های مؤثر بر تعاملات اجتماعی در سه دسته قابل‌تقسیم است: دیداری، شنیداری و فیزیکی. لازم به ذکر است بر پایه این تقسیم‌بندی سه‌گانه مدل‌سازی شکل گرفت که این مدل‌سازی به روش‌شناسی این پژوهش و یافته‌ها جهت داد. همچنین روش دستیابی به مؤلفه‌ها برگرفته از تحقیقات متنوعی از

1. John Archea

2. The Place of Architectural Factors in Behavioral Theories of Privacy

قبیل دانشپور (۱۳۸٦)، محمدی اصل (۱۳۹۱)، خلعتبری (۱۳۷۴)، آلن بیرو (۱۳٦٦) و غیره می‌باشد.

تعاملات دیداری به معنای برقراری ارتباط دیداری بین افراد، که ممکن است این ارتباط به‌صورت دو طرفه و یا جنبه نظارتی و کنترلی داشته باشد. در این مورد می‌توان نحوه نظارت والدین از پشت پنجره، بر بازی داخل حیاط فرزندان اشاره کرد. همچنین ارتباط دیداری بین فضاها به‌واسطه فضاهای قابل‌گسترش و عدم محصوریت فضایی. ارتباط شنیداری از این جهت در برقراری ارتباط در نظر گرفته می‌شود که می‌توان به افراد در سایر فضاها ارتباط برقرار کرد و به‌نوعی با آن‌ها به مراوده پرداخت. به‌عنوان‌مثال ارتباط خانم خانه در حال آشپزی، با مهمانان که در فضایی دیگر نشسته‌اند را می‌توان عنوان کرد. تعامل فیزیکی علاوه بر شامل شدن هر دو نوع تعامل فوق، انجام فعالیت را نیز در بر می‌گیرد.

در حوزه فضایی مفاهیم مرتبط دیگری نیز وجود دارد که ارتباط تنگاتنگی با تعامل اجتماعی دارند، مفاهیمی از قبیل قلمرو، خلوت و ازدحام. قلمرو را یک موقعیت جغرافیایی اطلاق می‌کنند که یک فرد یا یک گروه را از گزند تجاوز دیگران به حریم خویش محفوظ می‌دارد. معمولاً تشخیص قلمرو به دو شکل خصوصی و عمومی است. فضای خصوصی حد و مرز یا قلمرو یک یا چند انسان است که به‌گونه‌ای در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و فضای عمومی تعلق فضا را به همگان و عموم مردم که در یک جامعه در کنار یکدیگر می‌باشند را نشان می‌دهد. خلوت توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد است (لنگ، ۱۳۸۱: ۱٦۵). خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی و خلوت کم، به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود. مفاهیم فضای شخصی ساز و کارهایی برای دستیابی به میزان دلخواهی از خلوت هستند. همچنین ازدحام وضعیت اجتماعی است که درنتیجه عدم کارایی ساز و کارهایی خلوت پیش می‌آید و به روابط اجتماعی نامطلوب با افراد منجر می‌شود (آلتمن، ۲۸۹:۱۳۸۲). نکته کلیدی احساس وجود ازدحام، احساس عدم کنترل بر محیط است. ازدحام به مزاحمت‌های دیگران وابسته است و در این میان اطلاع از امکان عدم ایجاد مزاحمت باعث تشدید تأثیر می‌گردد. علت نامطبوع بودن احساس ازدحام کاهش کنترل شخص است. دیوار نشان داده است که چگونه دیوارها و تیغه‌ها، جای درها و دیگر ویژگی‌های معماری ساختمان، می‌تواند احساس ازدحام را تغییر دهد و اینکه فضا هر چه بیشتر انعطاف داشته باشد فرد کمتر احساس ازدحام می‌کند (آلتمن، ۱۹۳:۱۳۸۲).

وقوع فعالیت‌های انتخابی اصولاً منوط به شرایط مناسب محیط و فضای کالبدی است، در غیر این صورت از آن‌ها صرف‌نظر می‌شود. فضا و کیفیت آن‌ها بر فعالیت‌های اجتماعی اثرگذار می‌باشد ولی از آنجا که شرط اول این فعالیت‌ها حضور افراد دیگر در فضا است، در صورت حصول این شرط تأثیر فضای کالبدی کاهش می‌یابد. در مورد این فعالیت‌ها، فضا به‌عنوان یک عامل جذب افراد برای فراهم آوردن زمینه مناسب جهت شروع فعالیت‌های جدید عمل می‌کند. فضا در رابطه با فعالیت می‌تواند حالت‌های مختلفی به خود بگیرد. ازجمله این حالات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تجمع یا پراکندگی: فضا می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که باعث تجمع فعالیت‌های مختلف گردد. فضاهایی مانند حیاط دارای این‌چنین ویژگی می‌باشند.

تلفیق یا تفکیک: فضا می‌تواند امکان تعامل فعالیت‌ها و افراد را با یکدیگر یا در کنار هم فراهم سازد. به این طریق که افراد درگیر در یک فعالیت درعین‌حال بتوانند به درجات مختلف در فعالیت‌های مجاور هم دخیل گردند، به‌طور مثال گروهی که در یک فضا نشسته‌اند به نظارت فعالیت‌های دیگران بپردازند.

جذب یا دفع: فضا می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که فعالیت‌های مختلف را درون خود جای دهد و بستر مناسب را برای آن‌ها فراهم آورد. فضاهای بدون مبلمان و تجهیزات فضایی قابلیت جذب افراد و فعالیت‌ها را در خود دارد.

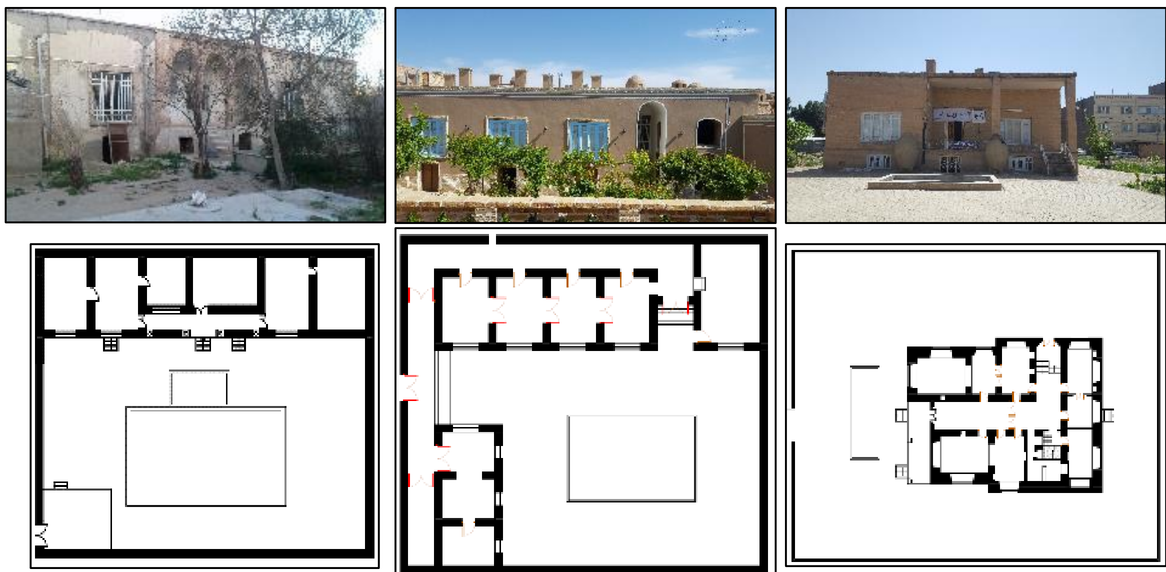
فضا به‌عنوان بخش کالبدی محیط می‌تواند بر رفتار اثرگذار باشد و نسبت به رفتار نقش کنترل‌کننده داشته باشد. یعنی رفتارهایی را تضعیف و رفتارهایی را تشویق نماید. درصورتی‌که در مورد فعالیت‌ها، فضا می‌تواند تنها امکان یا عدم امکان یک فعالیت را فراهم آورد. لذا تأثیر فضا بر رفتار بسیار مستقیم‌تر و قطعی‌تر می‌باشد. کنترل رفتار در فضا معمولاً به دو طریق زیر انجام می‌گیرد. القاء رفتار و حذف

رفتار. می‌توان به کمک فضا به افراد القاء کرد که برخی رفتارها را اتخاذ نمایند. تنها کافی است فضای مناسب فراهم آید تا افراد خودبه‌خود به سمت آن رفتار یا رفتارهای مشابه سوق پیدا کنند. برای مثال اگر فعالیت‌های مرتبط با فعالیت دورهم جمع شدن افراد مدنظر باشد، کافی است فضای مناسب را برای دورهمی در فضا تعبیه نمود. در این صورت افراد تشویق به جمع شدن می‌نمایند. همچنین از طریق فضا می‌توان برخی رفتارها را تا حدودی حذف نمود. اگر زمینه فضایی مناسب در اختیار افراد قرار نگیرد، رغبت آن‌ها به انجام رفتارهای مذکور کم می‌شود و ممکن است این رفتار حذف گردد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهر کاشمر، در فاصله ۲۱۷ کیلومتری شهر مشهد قرار دارد. این شهرستان از غرب با شهرستان خلیل‌آباد، از شمال و شمال غرب با شهرستان‌های نیشابور، سبزوار و بردسکن از شرق و شمال شرق با تربت‌حیدریه و از جنوب و جنوب غرب با گناباد همجوار است. این شهرستان به علت پستی و بلندی زیاد، وجود رشته‌کوه‌ها و نزدیکی با کویر دارای آب و هوای متنوع و متغیر می‌باشد. در قسمت‌های شمالی آن به‌واسطه کوهستانی بودن، زمستانی سرد، مرطوب و طولانی و تابستانی معتدل و ییلاقی دارد. در اطراف شهر هوایی نسبتاً گرم و خشک و نیمه بیابانی و در قسمت‌های جنوبی به علت مجاورت با کویر از آب و هوای گرم و خشک بیابانی و کویری برخوردار است.

ساختمان‌های قدیمی در شهرستان کاشمر به‌صورت گنبدی و ضربی با خشت ساخته‌شده‌اند. در ساخت آن‌ها از چوب و نی نیز در برخی سقف‌ها استفاده شده است. تمام خانه‌های ساخته‌شده، چه کوچک و چه بزرگ، مربوط به دوره تاریخی اواخر قاجار و اوایل پهلوی می‌باشد. تمام خانه‌ها دارای حیاط بودند و چیدمان جزء فضاها پیرامون حیاط‌ها از نظام فضایی مشخص پیروی می‌کنند. حیاط در همه این خانه‌ها مرکزیت دارد و همانند قلب خانه عمل می‌کند. فضاهای مختلف خانه در اطراف حیاط مستقر شده‌اند، تمامی فضاها به شیوه‌ای غیرمستقیم یا تدریجی با حیاط مرتبط هستند. از اتاق‌های اصلی خانه به‌ندرت برای انجام کارهای خاص استفاده می‌شده است. اتاق‌ها را با تعبیرهای نقشی (از قبیل اتاق نهارخوری، اتاق‌خواب)، نام‌گذاری نمی‌کردند، بلکه واژه اتاق را به معنای کلی در نظر داشتند. درمجموع ازجمله ویژگی‌های خانه‌های کاشمر می‌توان به موارد چون امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در تمامی فضاها، انعطاف‌پذیری فضاها در مقابل شیوه زندگی، رفتار و فعالیت‌های انجام گرفته شده در فضاها و عدم تخصیص فضاها به عملکرد خاص، عدم وجود مبلمان خاص و عدم تعریف فضا بر اساس مبلمان و ارتباط بصری با آب و گیاه و ایجاد چشم‌انداز اتاق‌ها به فضای باز خانه، اشاره کرد. تصاویر و پلان سه نمونه از این خانه‌ها در تصویر ۱ آمده است.



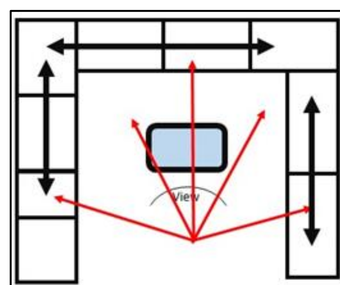
تصویر ۱: تصاویر و پلان سه نمونه از خانه‌های موردمطالعه، به ترتیب از راست به چپ: خانه واله، خانه کیومرث و خانه دانش (مأخذ: نگارندگان)

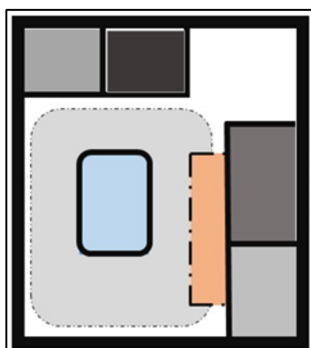
یافته‌ها

نظام رفتاری شاخص در تعاملات داخل خانه‌ها

سیستم فعالیت‌ها (نظام رفتاری) یکی از عینی‌ترین و ملموس‌ترین بیان‌های سکونت و شیوه زندگی است. از روش مشاهده برای بررسی تأثیرگذاری هرکدام از فعالیت‌ها بر سازمان فضایی خانه استفاده شد تا بر این اساس هرکدام از فعالیت‌ها، نحوه انجام آن فعالیت، فضاهای وابسته به آن فعالیت و افراد درگیر در فعالیت رصد شوند و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر موردبررسی قرار گیرند. درنهایت فضاهای مورد استفاده و نحوه برقراری تعاملات بین افراد مشخص گردید. برای گزینش فعالیت‌ها ابتدا بر مبنای مصاحبه‌ها و مشاهدات فهرستی از فعالیت‌های تعاملی اجتماعی انتخاب و سپس بنا بر میزان تکرار و اولویت در گزاره‌های برداشتی از مصاحبه و مشاهده فهرست نهایی انتخاب شده است.

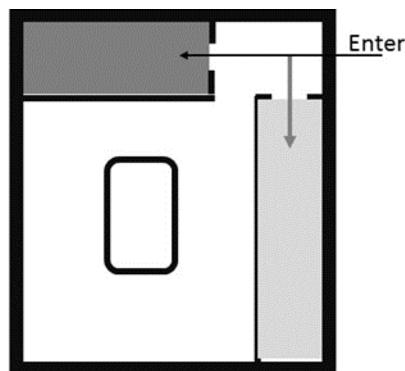
تهیه نذری: این فعالیت از چندین فعالیت وابسته تشکیل شده است. فعالیت‌هایی هم چون شستن و تمیز کردن مواد اولیه، آماده‌سازی مواد اولیه و درنهایت پختن و توزیع. شستن مواد اولیه در حیاط و در کنار حوض اتفاق می‌افتاده است. تمیز کردن مواد نیز با توجه به الزامات، می‌توانسته در هرکدام از فضاها و حتی حیاط انجام شود. محل رویداد این فعالیت امکان ارتباط دیداری و شنیداری بین اتاق‌ها و یا اتاق و حیاط را داشته است. آماده‌سازی شامل آوردن هیزم، ظروف و غیره می‌شد و به‌تناسب فعالیت در مطبخ و حیاط روی می‌داده است. با توجه به رفت و آمد بین فضاهای مختلف، امکان ارتباط دیداری و شنیداری به وجود می‌آمده است. پختن نذری نیز می‌توانسته در حیاط و یا مطبخ انجام شود. قابلیت گسترش فضا، تنوع فضایی و وجود فضاهای خدمات‌رسان، انجام این فعالیت را میسر می‌ساخته است. حیاط به‌عنوان اندام، نقش اصلی را در اجرای این فعالیت بر عهده داشته است (طرح ۲).





تصویر ۲: اهمیت ارتباطات دیداری در حیاط و فضاهای متنوع در فعالیت (مأخذ: نگارندگان)

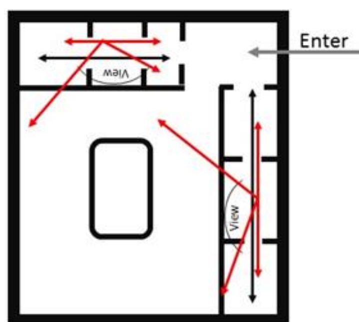
برگزاری مراسم: در این فعالیت نقش فضاهای بزرگ یا با قابلیت گسترش و تطبیق‌پذیری، همچنین وجود فضاهای خدماتی و زیرزمین به جهت انجام امورات کاملاً متمایز است. وجود فیلترهای فضایی و تفکیک فضاها سبب رعایت محرمیت ازجمله عناصر مهم در برگزاری مراسم است. حیاط به‌عنوان شاخص‌ترین عنصر در این رفتار لحاظ می‌شده است. وجود فضاهای متنوع علاوه بر آسان‌سازی این رفتار، فضایی جهت بازی کردن فرزندان را نیز به وجود می‌آورده است (تصویر ۲).



تصویر ۲: اهمیت تفکیک فضایی در برگزاری مراسم (مأخذ: نگارندگان)

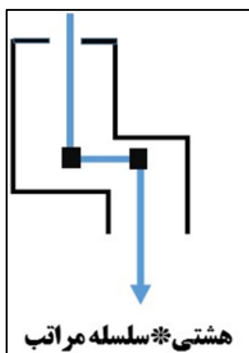
شب‌نشینی: این فعالیت به‌صورت جمع شدن با همسایه‌ها یا خویشاوندان دورهم و صحبت در مورد مسائل گوناگون، یا گردهمایی تمام اعضای خانواده صورت می‌گرفته است. از ضروریات بروز این رفتار ایجاد فضایی مناسب و درخور مهمان بوده است. وجود فضاهای متنوع و متعدد امکان جدا بودن افراد را میسر می‌ساخت. قابلیت گسترش و عدم وجود مبلمان خاص باعث شده تا بتوان افراد بیشتری حضور داشته باشند که خود باعث افزایش تعامل می‌شود. وجود فضاهایی برای بازی فرزندان بدون مزاحمت برای سایر فعالیت‌ها، یکی از شاخصه‌های تنوع فضایی محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که در عین جدا بودن فرزندان امکان نظارت بر آن‌ها وجود داشته است. از فعالیت‌های وابسته نیز می‌توان به نشستن دور کرسی در فصل زمستان، ایوان و یا حیاط در فصل تابستان اشاره کرد.

بازی با فرزندان: این رفتار به‌صورت سرگرم کردن کودکان و بازی با آن‌ها اتفاق می‌افتاده است. ارتباط بین اتاق‌ها در خانه‌های سنتی امکان بازی بی‌وقفه کودکان را فراهم می‌کرده است. قابلیت گسترش فضاها، عدم وجود مبلمان خاص و تنوع فضایی باعث می‌شد تا فرزندان بدون مزاحمت برای سایر افراد خانواده و سایر فعالیت به بازی کردن بپردازند. همچنین امکان آمد و شد بین اتاق‌ها، امکان نظارت بر رفتار کودکان را میسر می‌ساخته است. این نظارت هم به‌صورت دیداری و هم به‌صورت شنیداری می‌باشد (تصویر ۴).



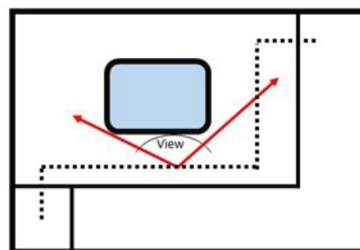
تصویر ۴: امکان ارتباطات فضایی و نظارت (مأخذ: نگارندگان)

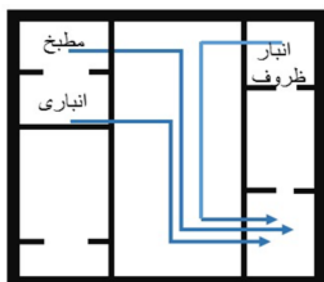
استقبال از مهمان جلوی درب: انتظار مهمان تا حضور صاحب‌خانه و خوش‌آمد گویی به او، باعث می‌شده تا ارتباط از همان لحظه ورود شکل بگیرد. ارتباطی که به‌صورت خوش و بش و به وجود آمدن رابطه صمیمی بوده است. این فضا حریمی را ایجاد می‌کرد تا مانع دید به فضاهای داخل خانه شود. شاخصه دیگر تفکیک فضایی خانه به عمومی و خصوصی است. همراهی مهمان تا مهمانخانه علاوه بر ایجاد ارتباط مانع حضور او در فضای خصوصی خواهد شد (تصویر ۵).



تصویر ۵: اهمیت فضای مکث و انتظار در استقبال از مهمان جلوی درب (مأخذ: نگارندگان)

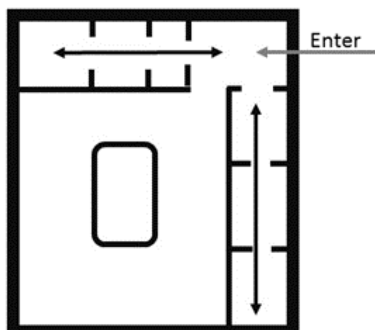
سفره انداختن و صرف صبحانه، نهار و شام: این فعالیت را می‌توان به خرده رفتارهایی تجزیه کرد که از آن جمله آوردن غذا، ظروف و پهن کردن سفره است. قرارگیری هرکدام از وسایل اولیه این فعالیت در فضاهای مختلف و آمد و شد بین فضاها سبب می‌شد تا ارتباط دیداری بین افراد در فضاها برقرار گردد. محل پهن شدن سفره و مقدار فاصله، در میزان ارتباط نیز تأثیرگذار بوده است. به‌گونه‌ای که در تابستان به سبب استفاده بیشتر از فضای حیاط برای صرف وعده‌های غذایی و قرارگیری مطبخ در گوشه حیاط، فاصله کمتری میان افراد بوده و درنتیجه ارتباطات بیشتری را به وجود می‌آورده است. در فصل زمستان نیز با توجه به استفاده حداکثری از فضای اتاق‌ها این فعالیت به گونه دیگری در ارتباطات اثرگذار بوده است. تنوع، تعدد فضایی و عدم وجود مبلمان باعث شده تا بتوان از تمامی فضاها برای این فعالیت استفاده کرد (تصویر ٦).





تصویر ٦: اهمیت فاصله بین فضا و ایجاد ارتباط دیداری در سفره انداختن (مأخذ: نگارندگان)

استراحت کردن در شب کنار هم: در گذشته برای استراحت کردن در شب معمولاً از لحاف و تشک استفاده می‌شده که برای جابجایی این وسایل احتیاج به کمک دیگران همواره وجود داشته است. اغلب این فعالیت توسط فرزندان انجام و توسط والدین مدیریت می‌شده است. فضاهای قابل‌گسترش و عدم وجود مبلمان، امکان حضور مهمان در شب و استراحت کردن در شب بدون مزاحمت را برای او فراهم می‌آورده است. تنوع فضایی باعث می‌شده تا در هر فصل بتوان از فضاهایی به فراخور همان فصل استفاده کرد (تصویر ۷).



تصویر ۷: اهمیت ارتباطات فضایی در تأمین قابل توسعه فضای خواب (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل یافته‌ها

خوانش رفتارها متناسب با نحوه قرارگیری فضاها

برای درک بهتر موضوع و همچنین خوانش نحوی خانه‌های سنتی کاشمر می‌بایست با انطباق نظام رفتارها و سیستم فعالیت در این خانه‌ها با نقشه‌های کالبدی خانه‌ها، نحوه تعامل فضاها با یکدیگر را مشخص کرد تا بتوان به خوانش نحوی آن‌ها پرداخت. استفاده از دیاگرام‌ها در جهت شناسایی هر چه بیشتر تأثیرگذاری هر فعالیت بر سازماندهی فضایی خانه‌های سنتی و تأثیرپذیری آن از نظام فعالیت‌ها، سبب شده تا بتوان به عناصر و اندام اثربخش در تعاملات انسانی داخل خانه دست‌یافت.

نذری درست کردن: فضاهای گسترده و عدم وجود مبلمان، باعث می‌شده تا در یک فضا بتوان چندین رفتار مختلف از یک فعالیت را انجام داد. به‌گونه‌ای که فعالیت‌های مختلف بر یکدیگر اثرگذار نبوده و مانع از انجام فعالیت دیگری نباشند و افراد بتوانند در صورت نیاز از یک فضا به‌صورت گروهی یا فردی استفاده نمایند. حتی گه‌گاه مشاهده می‌شده که فرد، فعالیت‌هایی متفرقه از فعالیت اصلی انجام می‌دهد، ولی مداخله‌ای برای فعالیت اصلی نداشته است. ارتباط بدون واسطه بین فضاها و انعطاف‌پذیری آن‌ها باعث می‌شده تا بتوان در حین انجام فعالیت به‌راحتی به سایر فعالیت‌ها نظارت و به آن‌ها سرکشی داشت و با حداقل جابجایی با یکدیگر ارتباط دیداری و شنیداری برقرار ساخت. وجود فضاهای متنوع به‌صورت باز، بسته و نیمه بسته، سبب می‌شده تا افراد بیشتری برای کمک حضور داشته باشند. از مهم‌ترین این فضاها در این فعالیت، حیاط را می‌توان ذکر کرد که بیشترین فعالیت در آن اتفاق می‌افتاده است. البته وجود عناصری مانند درخت و حوض آب را باید از ملزومات این فضا ذکر کرد. تمامی این مؤلفه‌ها سبب حضور هر چه بیشتری افراد می‌شده، بدین ترتیب تعاملات بین افراد نیز بیشتر می‌شده است.

برگزاری مراسم: مؤلفه‌های مختلفی در این فعالیت دخیل بوده‌اند که هرکدام به نحوی اثرگذاری داشته‌اند. یکی از این مؤلفه‌ها، قابلیت گسترش و عدم وجود مبلمان است که سبب می‌شد تا در هنگام برگزاری مراسم، ارتباط بین فضاها به‌راحتی برقرار شود و بتوان آن را با توجه به نیاز فعالیت تطبیق داد و تعداد بیشتری از مهمان‌ها را در فضا جای داد. مؤلفه بعدی که می‌توان آن را ذکر کرد، تنوع فضایی است که علاوه بر اینکه فضای بیشتری را در اختیار قرار می‌داده، امکان تفکیک فضایی را با توجه به فعالیت نیز ایجاد نموده است. این مؤلفه سبب شد تا بتوان در فصول مختلف حداکثر استفاده را از فضاهای مختلف برد. حیاط به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین عناصر در این زمینه است که سعی شده با در نظر گرفتن آب و هوا حداکثر استفاده را از آن ببرند و بیشترین ساعت از مراسم در این فضا برگزار شود. همچنین فضاهای خدماتی یکی از کاربردی‌ترین مؤلفه‌ها در این فعالیت است که در کنار فضای اصلی حضور داشته و می‌توانسته به بهترین نحو این فعالیت را تحت پوشش قرار دهند.

شب‌نشینی: فصول مختلف محدودیت‌هایی را از لحاظ بهره‌وری از فضاها ایجاد می‌نمایند. اگر این محدودیت‌ها با تنوع فضایی همراه نباشد، مشکلاتی را نیز به همراه خواهد داشت. به‌طوری‌که کمبود و نامناسب بودن فضا باعث می‌شد تا افراد از حضور در آن سر باز زده و تمایلی برای دورهم نشینی نداشته باشند. در خانه‌های سنتی کاشمر تنوع فضایی لحاظ و باعث شده بود تا در هر موقعیتی چندین فضا برای شب‌نشینی وجود داشته باشد و از بین آن‌ها بهترین گزینه برای این فعالیت انتخاب شود. قابلیت گسترش و انعطاف‌پذیری فضاها، سبب می‌شده تا در هنگام انجام این فعالیت، حضور حداکثری افراد را تأمین کرد. این مؤلفه ارتباط دیداری و شنیداری بین فضاها را ایجاد می‌نماید و باعث می‌شود تا والدین علاوه بر نظارت بر فرزندان، آنان را به بازی کردن تشویق نمایند.

بازی با فرزندان: یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها، وجود فضاهایی است که بتواند با فرزندانشان بدون مزاحمت برای دیگران و آسیب زدن به خودشان به بازی بپردازند. در خانه‌های سنتی، فضاهای متنوع این قابلیت رو برای فرزندان ایجاد می‌کرد تا با توجه به نوع بازی که علاقه به انجام آن دارند از فضاهای مختلف استفاده ببرند. یکی از محبوب‌ترین این فضاها حیاط بوده است که کمترین مزاحمت رو برای سایرین ایجاد می‌کرد. وجود پنجره‌هایی با فاصله کم از سطح اتاق سبب می‌شد تا والدین ارتباط خود را با فرزندان داشته باشند و به نحوی بتوانند رفتار آن‌ها را نیز کنترل نمایند.

انعطاف‌پذیری فضاها، ارتباط مناسبی را بین فضاها ایجاد می‌کند. همین مسئله سبب شده تا بتوان از چندین فضا به‌طور همزمان برای بازی استفاده کرد و ارتباط مناسبی نیز داشت. این انعطاف‌پذیری، تنها با عدم وجود مبلمان میسر می‌شده است.

استقبال از مهمان جلوی درب: در فرهنگ ایرانی مهمان همواره محترم و از مرتبه بالایی برخوردار بوده است. همین امر سبب شده تا در خانه‌های سنتی فضاهای خاصی برای او در نظر گرفته شود. فضای هشتی نمونه‌ای از این فضاها است که یکی از کاربردهای آن به جهت مکث و خوشامدگویی به مهمان و عدم اشرافیت به فضای داخل خانه در نظر گرفته شده است. ایجاد ارتباط بین مهمان و میزبان و رعایت سلسله‌مراتب از لحظه استقبال از مهمان تا لحظه ورود او به فضای داخل خانه، باعث شده تا علاوه بر رعایت محرمیت، به صاحب‌خانه زمان بیشتری برای بروز رفتار مناسب را بدهد.

سفره انداختن: برای انجام این فعالیت لازم بوده است تا رفتارهایی صورت پذیرد که می‌توان به رفت و آمد بین فضای مطبخ و محل پهن کردن سفره اشاره کرد. مسیر حرکت و همزمانی حرکتی بین فضاهای مختلف سبب شده تا در هنگام انجام این رفتار با سایر اعضای خانواده نیز بتوان تعامل برقرار کرد و هر چه فاصله طولانی‌تری بین دو نقطه باشد، ارتباط دیداری بیشتری فراهم می‌شود. همچنین وجود فضاهای متنوع و عدم تخصصی بودن آن‌ها در خانه‌های سنتی، این امکان را به وجود آورده تا افراد بتوانند برای انجام این فعالیت، خود تصمیم بر انتخاب فضا داشته باشند و افراد مختلف بتوانند به‌طور همزمان از یک فضا استفاده نمایند.

استراحت کردن در شب کنار هم: انعطاف‌پذیری و عدم وجود مبلمان باعث شده تا بتوان از تمامی فضاها برای استراحت کردن در شب استفاده کرد. عدم تأکید بر فضای شخصی و عدم وجود اتاق‌خواب مخصوص افراد خانواده باعث می‌شده تا تمامی افراد از یک فضا برای خواب استفاده کنند. همین حالت باعث برقراری ارتباط از ابتدای روز تا آخرین دقایق شب بین اعضای خانواده می‌شده است. وجود فضاهای متنوع مانند حیاط، ایوان، اتاق و پشت‌بام نیز باعث می‌شده تا با توجه به هرکدام از فصول بتوان از یکی از آن‌ها استفاده کرد. همچنین توجه به ویژگی‌های اقلیمی و طراحی فضا متناسب با استفاده حداکثری از انرژی‌های خورشیدی و گرما و نور در طول سال باعث می‌شد تا بتوان با کمترین محدودیت از فضاهای مختلفی برای این فعالیت استفاده کرد.

شاخصه‌های کالبدی اثرگذار

با توجه به تحلیل‌هایی که تاکنون صورت پذیرفت، مؤلفه‌های کالبدی متعددی را می‌توان برای هر فعالیت در نظر گرفت. هرکدام از مؤلفه‌ها بر قسمتی از رفتار تأثیرگذار هستند (جدول ۱).

جدول ۱: مؤلفه‌های اثرگذار (مأخذ: نگارندگان)

مؤلفه‌ها	فعالیت‌ها						
	نذری درست کردن	برگزاری مراسم	شب‌-نشینی	بازی کردن با فرزندان	استقبال از مهمان	سفره انداختن	استراحت کردن در شب کنار هم
استفاده افراد مختلف	✓	✓	✓	✓		✓	✓
تنوع فضایی	✓	✓	✓	✓		✓	✓
ارتباط با فضای باز	✓	✓	✓	✓		✓	✓
نظام ارتباطی بین فضاها	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
انعطاف‌پذیری	✓	✓	✓	✓		✓	✓
ارتباط دیداری، شنیداری	✓		✓	✓		✓	✓

دسترسی به فضاهای خدماتی	✓	✓					✓
عدم وجود مبلمان	✓	✓	✓	✓			✓
مسیرهای حرکتی					✓	✓	

عامل‌های کالبدی-فضایی در اجتماع‌پذیری فضا تأثیر دارند. این تأثیر در دو حالت، یکی با «قابلیت مستقیم» که وقوع فیزیکی رفتارهای تعاملی بین فردی را در فضا مقدور می‌سازد و دیگری با قابلیت «غیرمستقیم» که به‌عنوان عامل ادراکی و معنایی، با ایجاد تصاویر ذهنی منطبق بر تعلقات و تجارب قبلی، روابط اجتماعی بین آن‌ها را تعریف، تسهیل، افزایش و در کل تغییر می‌دهند. بنابراین شاخصه‌های اثرگذار بر میزان تعاملات را با توجه به مباحث قبل می‌توان در هشت مورد زیر خلاصه کرد: ۱. ارتباط با فضای باز (حیاط). ۲. دسترسی‌ها (راهروها). ۳. فاصله کارکردی. ۴. مبلمان فضا. ۵. محوریت حرکتی. ٦. تعدد و تنوع فضایی. ۷. شفافیت و تداوم فضایی. ۸. انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری.

این شاخصه‌ها با توجه به میزان تأثیرگذاری بر وقوع فعالیت، در میزان ارتباطات بین اعضای خانواده مؤثر واقع شده‌اند.

ارتباط با فضای باز: وجود اندام حیاط در خانه‌های سنتی سبب می‌شده تا از این فضا در خود موقعیت زمانی و فصلی حداکثر استفاده گردد. باغچه و حوض از عناصر اصلی این فضا بوده‌اند. ارتباط از فضای داخل به حیاط به‌واسطه پنجره‌هایی با OKB پایین ایجاد می‌شده است.

دسترسی‌ها: دو قلمروی فضایی مجاور، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. به‌منظور حفظ استقلال مطلوب هر یک از آن‌ها، باید تمهیداتی اندیشیده شود تا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌شان تحت کنترل درآید. وظیفه کنترل این تأثیرات بر عهده راهروها است تا به‌عنوان مرز و حریم در عین اتصال دو فضا به یکدیگر در انفصال و جدایی آن‌ها نیز نقش داشته، با یک وظیفه دوسویه، به برقراری ارتباط کنترل‌شده بین دو محدوده فضایی بپردازند.

فاصله تا عملکرد موردنظر در داخل خانه: عاملی برای حضور افراد در کنار یکدیگر بوده است. این بدان معنا است که کاهش فاصله عملکردی باعث کاهش فاصله‌ها در رفتار می‌شود و می‌تواند موجب بروز رفتار جمعی شود. دیدارها را افزایش داده و می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتار اجتماعی گردد.

مبلمان فضا و گونه‌های مختلف چیدمان فضاهای نشستن و اثاث آن: شکل تعامل افراد از گفتگوی صمیمی تا حضور رسمی را تعریف خواهد کرد. هرچه فاصله بین مبلمان بیشتر شود، اطلاعات دیداری، بویایی، گرمایی و جنبشی آن‌ها از یکدیگر کمتر می‌شود و برای حفظ تماس به صدای بلندتری نیاز است. هرچه فاصله بیشتر شود، خلوت شخصی بیشتر می‌شود و تعامل اجتماعی کاهش می‌یابد. تعریف فضاها با مبلمان داخل آن، سبب افزایش فضاهای تک کاربری، عدم گسترش فضاها و درنهایت با شخصی‌سازی فضاها، کاهش ارتباط و افزایش خلوت را به همراه دارد.

محوربندی: ارتباط محوری اتاق‌های مجاور باعث ایجاد محوربندی در خانه می‌شود. محوربندی ابزار و نشانه قدرتمندی در طرح معماری خانه است. این ویژگی ارتباط کالبدی مستقیم با درک افراد از معماری خانه دارد.

تعدد و تنوع فضایی: وجود اندام‌های مختلفی همانند اتاق، ایوان و حیاط و تعدد هرکدام از آن‌ها در خانه‌ها باعث شده تا فضاهای متنوعی جهت انجام فعالیت‌ها در اختیار داشته باشیم. هرکدام از این اندام‌ها می‌توانسته‌اند رفتارهایی را جهت‌دهی کنند و سبب اتفاقات بیشتری در خانه شوند. تنوع فضایی باعث می‌شده تا در اوقات مختلف روز و سال و با توجه به نوع فعالیت، از فضاها متنوع بهره‌برداری کرد و حضور افراد بیشتری را در خانه پذیرا بود.

شفافیت و تداوم فضایی: تداوم فضایی، اتاق‌های خانه را به هم می‌پیوندد و این امکان را فراهم می‌کند تا بتوان نور و فضای یک یا چند اتاق را از اتاق مجاور مشاهده کرد. این ویژگی امکان گسترش اتاق‌ها را فراهم می‌کند.

انعطاف‌پذیری فضایی: یکی از عوامل اصلی برای تعامل انسانی داخل خانه محسوب می‌شود. انعطاف‌پذیری فضای جمعی، امکان سازگاری و انطباق با تغییر نیازهای اعضای

خانواده را افزایش داده و قابلیت فضا با تغییر شرایط تغییر نمی‌کند. چند کاربری بودن در یک‌زمان و افزایش و کاهش فضاها در مواقع لازم امکان ارتباط راحت‌تر و حضور افراد بیشتر در هنگام مراسم و دیدارها را به وجود آورد.

در جداول شماره ۳، نحوه اثرگذاری هرکدام از شاخصه‌های کالبدی بر فعالیت‌ها را می‌توان مشاهده نمود. این شاخصه‌ها هرکدام به نحوی بر نحوه انجام آن فعالیت، فضاهای وابسته به آن فعالیت و افراد درگیر در فعالیت تأثیرگذار هستند.

جداول ۳: شاخصه‌های کالبدی (مأخذ: نگارندگان)

شاخص اثرگذاری	نحوه اثرگذاری
ارتباط با فضای باز (حیاط، باغچه و حوض)	در فعالیت نذری درست کردن به دلیل وجود فضای بزرگ حیاط، سبب حضور صورت دسته‌جمعی می‌شود. در فعالیت صرف غذا، فضایی جذاب و خوش‌منظر جهت سفره انداختن بخصوص در فصول بهار و تابستان است. در شب‌نشینی‌ها حیاط به‌واسطه ایجاد فضایی مطبوع، شرایط مناسبی را فراهم می‌سازد. در بازی فرزندان به‌عنوان فضایی گسترده بدون مبلمان خاص و مزاحمت‌های فیزیکی، آن را تسهیل می‌سازد. به هنگام برگزاری مراسم وجود فضایی گسترده بدون مبلمان خاص و مزاحمت‌های فیزیکی، امکان برگزاری مراسم‌ها را به وجود می‌آورد. به‌وقت استراحت کردن در شب حیاط یکی از چند فضایی می‌باشد که امکان استراحت کردن در شب جمعی را برای ساکنین فراهم می‌آورد. همچنین وجود طبیعت، سبب تلطیف هوا و استفاده حداکثری از فضاها خواهد شد. به‌طوری‌که منجر به ارتباط بیشتر بین اعضا خانواده خواهد شد.
دسترسی‌ها (راهروها)	برگزاری مراسم به‌واسطه دسترسی‌های متعدد امکان جداسازی دو فضا مخصوص آقایان و خانم‌ها و یا حالت‌های مشابه فراهم می‌شود. به هنگام غذا خوردن نظام دسترسی امکان تعیین منعطف‌تر فضای سفره انداختن ازجمله برای جمع بزرگ‌تر را مهیا می‌کند. هنگام بازی فرزندان، نظام دسترسی سبب می‌شود تا بتوان بدون ایجاد مزاحمت زنجیره از روابط فضایی را انتخاب کرد که مزاحم سایر فعالیت‌های مستقر در برخی فضاها نباشد. راهروها یکی از مؤثرترین عناصر برای تفکیک فضایی، ایجاد حریم و عدم تداخل فعالیت‌ها محسوب می‌شود.
فاصله کارکردی	وجود فاصله میان کارکردهای مختلف سبب می‌شود تا به هنگام حضور مهمان سایر فعالیت‌ها دچار مشکل نشوند. پراکندگی نسبی کارکردها سبب ضرورت همکاری افراد خانواده با هم جهت فراهم آوردن مقدمات غذا خوردن و به عبارتی تعامل افراد می‌شود. فاصله محدود همراه با پیوستگی و تداخل کارکردها سبب افزایش تعاملات و افزایش فاصله کارکردی یا حوزه‌بندی تخصصی کارکردها سبب کاهش ارتباطات و تعاملات اعضای خانواده خواهد شد. این مسئله همچنین سبب عدم نظارت و کنترل بر فعالیت فرزندان می‌شود.

مبلمان فضا	عدم وجود مبلمان و تجهیزات فضایی خاص سبب می‌شده تا بتوان از تمامی فضاها حداکثر بهره را برد و چندین فعالیت را به‌طور همزمان انجام داد. نبود وسایل و مبلمان جاگیر در میانه فضاها سبب می‌شده تا فرزندان بتوانند در هر فضایی مشغول به بازی شوند و همچنین تحت نظر بیشتر والدین باشند. نبود مبلمان خاص این امکان را میسر ساخته تا بتوانند از فضاهای مختلف جهت غذا خوردن بهره ببرند و مشکل محدودیت فضایی نداشته باشند. نبود تجهیزاتی که سبب اشغال فضایی شوند، مسئله تعیین فضای خواب را نیز راحت‌تر و منعطف‌تر می‌کرده است. مبلمان فضایی به شکل امروزی سبب عدم گسترش فضایی در فعالیت‌ها و عدم انعطاف‌پذیری می‌شود. همچنین این حالت مانعی خواهد بود برای دورهم‌نشینی‌های بزرگ. به‌تناسب جای‌گیری قسمتی از فضا توسط مبلمان، حجم حضور افراد و درنتیجه تعاملات کاهش می‌یابد. نبود مبلمان فضایی به شکل امروزی سبب امکان تعریف حالت‌های مختلف جهت حفظ فاصله با مهمان متناسب با شرایط می‌شود که در عمل بهره‌وری فعالیت متناسب با نوع برخورد و صمیمیت را بالا می‌برد. این حالت سبب رضایت بیشتر و درنتیجه تعامل بیشتر با یکدیگر می‌شود.
محوریت حرکتی	با توجه به خطی بودن چیدمان اتاق‌ها امکان نظارت و کنترل بیشتر فرزندان وجود دارد. این حالت سبب امکان گسترش فضا متناسب با نوع فعالیت و حضور حداکثری تعداد افراد و درنهایت تعامل بیشتر می‌شود. خطی بودن امکان ارتباط دیداری را نیز به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.
تعدد و تنوع فضایی	وجود فضاهای متعدد و متنوع و عدم تداخل با سایر فعالیت‌ها، زمینه‌ساز بروز فعالیت‌هایی چون نذری دادن و درنهایت افزایش ارتباط می‌شده است. تعدد فضایی، چالشی در رسیدگی و نظافت خانه بوده و لزوم مشارکت رفتاری را نیز به همراه داشته است. تنوع فضایی سبب سیر سلسله‌مراتبی حضور مهمان و عدم مزاحمت آن برای سایر فعالیت‌ها می‌شده است. تعدد و تنوع فضاها سبب امکان برگزاری مراسم بزرگ‌تر، راحت‌تر، حضور تعداد افراد بیشتر و درنهایت تعامل بیشتر می‌شده است. تنوع و تعدد فضایی این امکان را به وجود آورده تا در هر فصل از فضای مناسب در فعالیت‌هایی چون شب‌نشینی و یا غذا خوردن استفاده گردد و همچنین در صورت لزوم افراد جدا از یکدیگر باشند. تنوع فضایی سبب عدم تداخل فعالیت فرزندان با سایر فعالیت‌ها شده است. همچنین به فرزندان اجازه داده تا فعالیت‌های متنوع‌تری را درک کنند. تعدد و تنوع فضایی سبب عدم امکان حضور افراد بیشتر را در یک‌زمان فراهم می‌آورد. تعدد و تنوع فضایی امکان انجام چندین فعالیت بدون تداخل برای سایر فعالیت‌ها را فراهم می‌آورده است.
شفافیت و تداوم فضایی	شفافیت سبب می‌شود تا بتوان به نحوه انجام فعالیت‌هایی چون نذری درست کردن نظارت و کنترل مناسب را داشت. شفافیت همچنین سبب امکان تفکیک گروه‌هایی چون خانم‌ها و آقایان از یکدیگر و درعین‌حال ارتباط مؤثر و نظارت بر محیط را فراهم می‌آورد. تداوم فضایی امکان بازی بیشتر و راحت‌تر را برای فرزندان فراهم می‌سازد. شفافیت و تداوم فضایی سبب انعطاف‌پذیری و افزایش امکان برگزاری مراسم‌های بزرگ و کوچک و درعین‌حال نظارت و کنترل محیط می‌شود. تداوم فضایی سبب سهولت دسترسی به بیشتر افراد می‌دهد. شفافیت فضایی سبب افزایش ارتباطات دیداری و شنیداری می‌شود. شفافیت و تداوم فضایی سبب افزایش نفوذپذیری می‌شود.

انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری	انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری استفاده همزمانی از یک فضا برای چندین فعالیت می‌دهد که در مواردی چون نذری درست کردن، برگزاری مراسم‌ها و غیره بسیار مهم است. انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری بدون نیاز به یک فضای مخصوص امکان فعالیت‌های متنوعی اعم از غذا خوردن، شب‌نشینی، استراحت کردن در شب، بازی کردن و غیره می‌دهد. با توجه به قابلیت فضاهای مختلف برای جانمایی فعالیت‌های متنوع، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری امکان تنظیم نحوه همجواری و ارتباط فعالیت‌های مختلف با هم را فراهم می‌آورد. امکان انجام چند فعالیت به‌صورت همزمان (چند کاربری بودن) و بدون تداخل فعالیت‌ها را فراهم می‌آورد. امکان جداسازی فعالیت‌ها در صورت لزوم را به وجود می‌آورد. انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری امکان سازگاری بر اساس نیاز خانواده و فعالیت‌ها را به وجود می‌آورد. امکان حضور افراد بیشتر به سبب قابلیت انعطاف‌پذیری را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت فضاها در خانه ازجمله عواملی است که در افزایش یا کاهش تعاملات افراد تأثیرگذار است. درصورتی‌که فضاها به لحاظ کمی و کیفی ویژگی‌های مناسبی داشته باشد، سبب ایجاد تمایل از سوی تک‌تک افراد برای حضور در آن ایجاد می‌شود. از همین رو، در خانه‌های سنتی شهر کاشمر برخی مؤلفه‌های طراحی در کنار مقوله‌های رفتاری و سبک زندگی سبب افزایش تعاملات اجتماعی شده بود. مؤلفه‌هایی که درمجموع در هشت مقوله ارتباط با فضای باز (حیاط)، دسترسی‌ها (راهروها)، فاصله کارکردی، مبلمان فضا، محوریت حرکتی، تعدد و تنوع فضایی، شفافیت و تداوم فضایی، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری، قابل دسته‌بندی هستند. بر اساس این نتایج، فضای باز یا در غالب موارد همان حیاط علاوه بر نقش اساسی در انجام فعالیت‌ها، تأثیر زیادی نیز بر افزایش تعاملات جمعی داشت. وجود عناصر طبیعی همانند باغچه و حوض و همچنین پنجره‌های بزرگ در این فضا به‌واسطه اثر معناداری که بر تمرکز فضایی و تشکیل کانون‌های فعالیت، وجه جمعی زیادی دارد. از طرف دیگر، تعدد فعالیت در خانه‌های گذشته موجب شکل‌گیری تعدد و تنوع فضایی و نیز تشخص بخشی به مکان می‌شد. در خانه‌های سنتی سعی بر رعایت هم‌جواری عملکردهای سازگار در کنار هم و یا رعایت فاصله مناسب به‌منظور جداسازی عملکردهای ناسازگار بوده است. تأمین دید مطلوب به فضای حیاط با توجه به کاربری فضا و کنترل میزان انتقال آلودگی از ویژگی‌هایی بود که در خانه‌ها رعایت و سبب افزایش کیفیت فضایی می‌شد.

تأکید بر سلسله‌مراتب فضایی در خانه‌های سنتی علاوه بر تأکید بر هر فضا، مانع ارتباط نامناسب بین دو فضای با عملکرد نامتجانس می‌شد. این نکته سبب نوعی عرصه‌بندی نیز می‌شود. هشتی یکی از این موارد می‌باشد که شخص وارد شونده، نمی‌توانست داخل حیاط را ببیند و اجباراً از یک راهروی باریک عبور می‌کرد. در ساختار خانه‌های سنتی، شخص قبل از آنکه وارد محل اصلی شود، هرکدام از فضاهای مابین (حیاط، دالان و هشتی) فضای متفاوتی را برای او ایجاد می‌کند و فضای خاص خانه، او را برای روبرویی با اهل خانه آماده می‌ساخت و این حالت برای اعضای خانه نیز روی می‌داد. آن‌ها قبل از ورود مهمان به خانه، آماده پذیرایی و روبرو شدن با مهمان می‌شدند و این فضا به آن‌ها کمک می‌کرد، از حریم خویش به‌خوبی محافظت کنند. این مقوله خود تأثیر مهمی بر اجتماع‌پذیری اهل خانه دارد. نمونه دیگر از فضای مابین، ایوان است که حدفاصل بین فضای بسته و باز و به‌عنوان فضای ارتباط‌دهنده شناخته می‌شود. ایوان در خانه‌های سنتی رابطه بین درون و بیرون را تعریف می‌کند و می‌تواند مفصلی برای تغییر فعالیت و درعین‌حال ارتباط فعالیت‌ها باشد. به‌عبارت‌دیگر، ایوان با ایجاد فضایی برای ارتباط میان رفتارها تعاملات جمعی را افزایش داده است. در عرصه‌بندی نیمه عمومی که در حقیقت بیشترین ارتباطات افراد خانواده در آن محقق می‌شود، تأکید بر وجود فضاها، اندام‌ها و عناصری است که به‌صورت عمد یا غیرعمد سبب برقراری ارتباط دیداری، شنیداری و حرکتی

می‌شده است. هرکدام از این عناصر افراد را وادار به حضور در فضا می‌کرد، یا باعث می‌شدند تا افراد درک کنند که در دیدرس رفتار بقیه قرار دارند.

همچنین تعریف فضاهای منعطف سبب امکان تعیین حالت‌های مختلف قلمروگزینی می‌شد. اندام‌ها در این حالت غالباً نیمه عمومی محسوب می‌شدند و باعث کاهش قلمرو خصوصی و افزایش اجتماع‌پذیری افراد می‌گردیدند، به حدی که افراد بسیاری از فعالیت‌هایشان را در جمع انجام می‌دادند و مراوده‌ای با سایر افراد داشته‌اند. از طرف دیگر، وجود فضاهایی که مالکیت در آن مشخص نبود، سبب حضور تمامی افراد می‌شد و هرکدام با توجه به نیاز خود، قلمرو کوچکی در بین سایر قلمروها ایجاد می‌کرد که در جای خود سبب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر سایر قلمروها و فعالیت‌ها می‌شد. از طرف دیگر، در خانه‌های سنتی به‌واسطه تعریف فضایی که مستقل از مبلمان فضا بود، گونه‌های مختلفی از چیدمان فضای نشستن و شکل تعامل افراد را تعریف می‌کند. این باعث می‌شد که اتاق فضای بیشتری را برای حضور فعالیت‌های مختلف فراهم آورد و فضا بر یک اتفاق خاص بسنده نکند.

نظام حرکت محوری بین فضاها سبب آمد و شد بین فضاها، تداخل رفتاری و ارتباط دیداری و شنیداری را فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز بهبود تعاملات بین فردی در فضای خانه می‌شد. ارتباط محوری اتاق‌ها امکان گسترش فضاها را هنگام برگزاری مراسم فراهم می‌کرد. ارتباط دیداری، یکی از اشکال شناخته‌شده تعاملات محسوب می‌شود و منظور از آن، ارتباط بین فضاهای درونی و بیرونی و امکان بسط یافتن این فضاها در امتداد یکدیگر است. استفاده از درب برای تفکیک اتاق‌ها الگویی مکمل برای الگوی ارتباط محوری اتاق‌ها بود که امکان گسترش اتاق‌ها در مراسم و مهمانی‌ها بزرگ را ایجاد و انعطاف‌پذیری حرکتی را که از ویژگی‌های خانه‌های سنتی بوده است را فراهم می‌آورد.

در خانه‌های سنتی توجه به فاصله به‌عنوان یکی از شاخصه‌های موردبحث در تعاملات انسانی موردتوجه بود. در نظر گرفتن حد مناسب فاصله عملکردها با هم عامل مهم برای حضور افراد در کنار یکدیگر بود. فواصل طولانی، تراکم رفت و آمد و تداخل فعالیت‌ها در مواردی تأثیر منفی بر تعاملات داشت که در گذشته با شناخت نوع اثرگذاری، استفاده از آن‌ها پرهیز می‌شد. در مقابل نیز رفتارهایی بوده‌اند که ایجاد فاصله سبب تعامل‌پذیری بیشتر افراد می‌شد. نمونه‌ای از این رفتارها را می‌توان در استقبال از مهمان در جلوی درب ذکر کرد که با طی فاصله از ورود تا محل اصلی سبب به وجود آمدن رابطه صمیمی می‌شد.

پیشنهاد برای آینده: در پژوهش‌های آینده می‌توان مؤلفه‌های اثرگذار در خانه‌های سنتی را با خانه‌های مدرن مورد مقایسه قرار داد. البته که ساختار فضایی خانه‌های سنتی قابل احیاء به‌طور کامل در خانه‌های جدید نمی‌باشد، به این دلیل که ساختار شهری کنونی اجازه ساخت چنین ساختاری را نمی‌دهد، اما این پژوهش نشان داد که در بعضی مؤلفه‌ها با اعمال تغییراتی در همین ساختار، می‌توان تعاملات اجتماعی مبتنی بر خانه‌های سنتی را تا حدودی در دستور کار قرار داد و از نتایج حاصل، می‌توان به طراحان به‌منظور دستیابی به یک الگوی طراحی مناسب، یاری رساند.

فهرست منابع

۱. آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). ***محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام***. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲. بیرو، آلن. (۱۳۶۶). ***فرهنگ علوم اجتماعی***. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.

۳. بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰). ***ساختمان بلند و شهر***. تهران: شهر.

۴. باقری، حسین؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «شناسایی متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن». ***مسکن و محیط روستا***. (شماره ۱۵۴)، ۲۸-۱۷.

۵. پاکزاد، جهانشاه؛ و حمیده بزرگ، (۱۳۹۱). ***الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان***. تهران: آرمانشهر.

۶. شجاعی، دلارام؛ و پروین پرتوی. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)». ***باغ نظر***. (شماره ۳۴)، ۹۳-۱۰۸.

۷. حائری‌مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). ***خانه، فرهنگ، طبیعت***. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معمار.

۸. حسینی، اکرم؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «تدوین دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به‌منظور بهبود تعامل اعضای خانواده». ***مسکن و محیط روستا***. (شماره ۱۵۴)، ۵۸-۴۱.

۹. خلعتبری،محمد مهدی. (۱۳۷۴). «طراحی فضا در آیینه مناسبات انسانی». مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ارگ بم، تهران، ***نشر سازمان میراث فرهنگی کشور***. چاپ اول

۱۰. دانشپور، سید عبدالهادی، و مریم چرخچیان، (۱۳۸٦). «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی». ***باغ نظر***. (شماره ۷)، ۲۸-۱۹.

۱۱. کشفی، محمدعلی؛ و همکاران. (۱۳۹۱). «نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین». ***مدیریت شهری***. (شماره ۳۰)، ۱۷-۷.

۱۲. لنگ، جان. (۱۳۸۱). ***آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط***. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

۱۳. محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۱). ***زندگی اجتماعی***. ج۱. تهران: سفیر اردهال.

۱۴. محمودی، سید امیرسعید، منصورپور، مجید. (۱۳۹٦). «بررسی جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات اجتماعی محلات مسکونی (مطالعه موردی: محله خراطان دزفول)» ، نشریه ***هویت شهر***، شماره۳۱، ص ۱۵-۵.

۱۵. میدانچی، نازنین؛ و همکاران. (۱۳۹۵). «معنی اجتماعی خانه: شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقا تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط درون خانوادگی در خانه‌های معاصر».***سومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی***. برلین. نشر پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.

۱٦. یزادنفر، عباس؛ و مهسا ضرابی الحسینی. (۱۳۹۴). «تأثیر شیوه زندگی بر ساختار فضایی خانه، مطالعه موردی: شهرستان ارومیه». ***انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران***. (شماره ۱۰)، ٦۱-۴۵.